

مسعود امید

■ عضو هیئت علمی گروه فلسفه دانشگاه تبریز  
برخی از آثار:

۱- درآمدی بر فلسفه اخلاق

از دیدگاه متفکران مسلمان معاصر ایران

۲- سه فیلسوف مسلمان

۳- گزاره‌هایی در باب عقل و دین از دیدگاه  
امام علی (ع) و دین پژوهان

## نوع و نحوه گذر از «فکر می‌کنم» به «هستم» در کوجیتو

■ مسعود امید

از جمله مهم‌ترین پرسشهای قابل طرح در مورد کوجیتوی دکارت این سوال است که گذر دکارت از «فکر می‌کنم» به «هستم» بر چه اساس و مبنایی است؟ به بیان دیگر نوع و سنخ این گذر چیست؟ مواردی که دکارت تحت عنوان: اطمینان دارم، علم به هستی‌ام دارم، اراده آزاد دارم (اراده می‌کنم یا آزادم)، فریب می‌خورم، شک می‌کنم و ... چگونه و براساس چه فرآیندی به «هستم» منجر می‌گردد؟ انکشاف کوجیتو بر چه مبنایی حاصل می‌شود؟

برای پاسخ به این پرسش می‌توان حداقل از نه نوع گذر و مبنای مفروض برای عبور از «فکر می‌کنم» به «هستم»، در نظر داشت که عبارتند از گذرهای: منطقی، وجود شناختی، معرفت شناختی، پدیدار شناختی، زبان شناختی، روانشناختی، عرفانی، تداعی گریانه و شهودی

در توضیح اقسام گذرهای فوق الذکر می‌توان چنین بیان داشت:

الف - گذر منطقی (Logical) از  $x$  به  $y$ :

۱- در این نوع گذر، نظر بر این است که مفهوم  $y$  در مفهوم  $x$  مندرج شده است و تصور  $x$ ، منطقاً تصور  $y$  را هم با خود دارد.

$y$  جزو اجزای ذاتی و مقومات  $x$  است و حمل آن بر  $x$  به ضرورت ذاتی منطقی صورت می‌گیرد مانند نسبت حیوان ناطق به انسان. پذیرش  $x$  منطقاً لازم می‌آورد مفهوم  $y$  را.

۲-  $x$  از طریق حد وسط  $z$  بر  $y$  حمل می‌شود. یعنی از طریق قیاس:

مثلاً  $x$  دارای  $z$  است و هر دارای  $z$  دارای  $x$  است پس  $x$  دارای  $y$  است. یا  $x$ ،  $z$  است و هر  $z$ ،  $y$  است پس  $x$ ،  $y$  است.

ب- گذر وجود شناختی (ontological) از  $x$  به  $y$ :

در این گذر، از آن جا که  $x$  معلول  $y$  است و هر معلولی نیازمند و وابسته به علت است، پس پذیرش  $x$  به ضرورت فلسفی، لازم می‌آورد وجود  $y$  را. به بیان دیگر چون وجود  $x$  ناشی از وجود  $y$  است پس فرض وجود  $x$  به ضرورت فلسفی (علی - معلولی) وجود  $y$  را لازم می‌آورد. این ضرورت بر اساس تلازم وجودی علت و معلول، تحقق پیدا می‌کند.

ج- گذر معرفت شناختی (epistemological) از  $x$  به  $y$ :

۱- در این حالت باور یا معرفت به  $x$ ، باور یا معرفت به  $y$  را لازم می‌آورد، چرا که میان این دو معرفت و باور تلازم معرفتی وجود دارد مانند وقتی که معرفت به  $۴$  لازم می‌آورد معرفت و باور به زوجیت آن را. زوجیت معرفتی است محصول معرفت به  $۴$  و لازمه آن. در رابطه معرفتی میان  $x$  و  $y$ ، نسبت  $y$  به  $x$ ، از نوع لوازم معرفتی  $x$  می‌باشد.

۲- در معنای دیگر،  $x$  نسبت به  $y$  دارای حکایتگری و نمایشگری و کاشفیت است. مانند نسبت یک مفهوم به یک مصداق

د- گذر پدیدار شناختی (Phenomenological) از  $x$  به  $y$ :

$x$  یک پدیدار مطلق، بدون حیثیت، بی جهت و التفات نیست.  $x$  نسبت به  $y$  جهت دار و دارای التفات است.  $x$  به سوی  $y$  نشانه‌گیری شده است و به سوی آن رهسپار است.

هـ- گذر عرفانی (mystical) از  $x$  به  $y$ :

۱-  $x$  مظهر  $y$  یا مشهود اوست. در این حالت رابطه  $x$  و  $y$  رابطه مظهر و ظاهری و مشهود و شاهدهی است. اگر  $x$  مظهر و مشهود است پس باید  $y$  به عنوان ظاهر و شاهد وجود داشته باشد.

۲-  $x$  و  $y$  دارای وحدت وجود هستند و نزد همدیگر حضور و وجود دارند. نوعی پیوستگی از نوع وجودی میان آنها حاکم است. هستی واحدی هستند با تمایز اعتباری و فرض  $x$ ، فرض وجود  $y$  را در پی خواهد داشت.

و- گذر روان‌شناختی (psychological) از  $x$  به  $y$ :

۱- در فضای روان انسانی و یافت متعارف انسان از درون خود، انسان به صورت روانی از  $x$  به  $y$  گذر می‌کند و آن را می‌پذیرد. مانند لذت و خوشایندی و خوبی آن.

۲- روان انسان به گونه‌ای است که اگر به پدیده  $x$  مواجه شود به سوی  $y$  ره می‌سپارد و آن را در خود می‌یابد.

همانند این که وقتی که احساس سوزش می‌کند، درد را هم در خود می‌یابد. سوزش به دنبال خود، درد را نیز به همراه دارد.

۳- رابطه  $x$  و  $y$  انعکاسی (reflexive) و بازتابنده است. یعنی پدیده روانی  $x$ ، پدیده روانی  $y$  را بازتاب می‌دهد و منعکس می‌سازد.  $y$  بازتاب و انعکاس  $x$  است.

ز- گذر بر مبنای تداعی (association) از  $x$  به  $y$ :

گذر از  $x$  به  $y$  بر اساس احساس و ادراک مشابهت، مجاورت، تعاقب، همراهی و ... که میان این دو وجود دارد، صورت می‌گیرد. مانند وقتی که ذهن از چراغ قرمز به چراغ سبز منتقل می‌شود به سبب همراهی، تعاقب یا مجاورت آن دو.

## ح- گذر زبان شناختی (linguistic) از x به y:

از آن جا که x دال بر y است و میان آنها رابطه دلالت حاکم است پس فرض x می‌تواند ما را به y رهنمون گردد و بر آن دلالت کند. مانند دلالت واژه «پسر عمویم علی» بر «مصدق و فرد خاصی در خارج».

## ط- گذر شهودی (intuitive) از x به y:

هر گاه رابطه x و y به صورت شهودی یعنی بر مبنای درکی بی‌واسطه و با یقین و بدون شک و در قالبی صریح و متمایز، برای انسان آشکار گردد، می‌توان از فرض x به وجود y گذر کرد و پیوند هر دو را باهم پذیرفت. مانند این که مثلث دارای سه ضلع است.

\* \* \*

در پاسخ به این پرسش که از میان این نه گذر یا نحوه انکشاف، دکارت کدامیک را در مورد کوجیتو صادق می‌داند، باید گفت که آن چه که وی با صراحت بیان داشته است همانا گذر یا انکشاف شهودی است.

دکارت خود می‌گوید: «در این قضیه «فکر می‌کنم پس وجود دارم» هیچ چیز مایه اطمینان من به حقیقت آن نیست مگر این که روشن می‌بینم که تا وجودی نباشد فکری نیست. از این رو معتقد شدم که قاعده کلی می‌توانم اختیار کنم که هر چه را روشن و آشکارا درمی‌یابم حقیقت دارد.» (ص ۹۸)

بنابراین «فکر می‌کنم پس هستم» نوعی شهود محض عقلی است که به نحوی بی‌واسطه، بدون کوچکترین دخالت حکم و استدلال، ذهن انسان را مشعون از نور طبیعی می‌کند. (مجتهدی، ص ۱۵)

منابع:

۱- دکارت، رنه، گفتار در روش درست راه بردن عقل، ترجمه: محمدعلی فروغی، انتشارات مهر دامون، ۱۳۸۵

۲- مجتهدی، کریم، دکارت و فلسفه او، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۲